

فراخوان!

از هم سرنوشتان خود در
کردستان عراق حمایت کنید!

کارگران!

زحمتکشان!

زنان، مردان و جوانان آزادیخواه

کردستان ایران!

در حالی که جهان شاهد انقلابات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در خاورمیانه و شمال آفریقا است، کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان در شهرهای کردستان عراق نیز، بپا خاسته اند تا حقوق و آزادی های سلب شده شان را باز پس گیرند. جهان بشریت شاهد تحولات و انقلاباتی است که حکام مستبد را یکی پس از دیگری به زیر کشیده و شیپور آغاز پایان سلطه مرتجعین و بورژوازی منطقه را به صدا در آورده است.

احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق بیش از دو دهه است منافع سرمایه داران و طبقات دارا را نمایندگی و حفاظت می کنند. حاکمیت این احزاب حاصلی جز سلب اراده، تحمیل فقر و نابرابری، تبعیض و تحقیر زنان و مردان کارگر و مزدبگیران و حقوق بگیران و تهیدستان جامعه، نداشته است.

کارگران و مردم زحمتکش و بیدار شهرهای کردستان عراق از سلیمانیه تا اربیل و کلار و رانیه و شهر و شهرک های دیگر، در اعتراض به حاکمیت این احزاب و برای رفاه و آزادی و خوشبختی و و به دست گرفتن سرنوشت خود به خیابان آمده اند.

احزاب حاکم در کردستان عراق، تا کنون فریاد اعتراض، حق طلبی و آزادیخواهی مردم را با گلوله و تهدید و سرکوب جواب داده و ده ها تن را کشته و زخمی و صدها نفر را دستگیر و زندانی کرده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست شما را به حمایت سیاسی از خواهران و برادران خود در کردستان عراق فرا می خواند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

"اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست"

همزمان با اعلام برگزاری راه پیمایی اول اسفند از سوی "شورای هماهنگی راه سبز امید"، تعدادی از احزاب ناسیونالیست و قومی کردستان هم با انتشار فراخوان های مختلف، از مردم کردستان خواسته اند به این اعتراض بپیوندند و روز اول اسفند به خیابان ها بیایند.

ناسیونالیست های کرد این روز را روز آشتی جنبش سبز و کردستان نامیده اند.



۸ مارس روز اعتراض عمومی به آپارتاید جنسی است

مظفر محمدی

در طول حیات رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی یک مبارزه مستمر و بی امان اجتماعی در جریان بوده است. زنان در ایران هیچ وقت به رژیم و قوانین ضد زنش تمکین نکرده اند. دنیای متمدن، شاهد سه دهه مقاومت، مبارزه و اعتراض روزمره زنان و دختران جوان در خیابان و مدرسه و دانشگاه و در مقابله با گروههای منکرات و حراستهای مدارس و ادارات و کارخانه و با هر چه مظاهر شرعی و ضد زن است، بوده اند. زنان و دختران جوان با تلاش و پافشاری کم نظیری فاتحین غلبه بر حجاب اسلامی و عاملین کشف حجاب اند.

ص ۳

جنبش آزادیخواهی در کردستان عراق!

"انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه منطقه این اعتماد و قوت قلب را بخشیده است که دست در دست هم و در حمایت از همدیگر بر سرنوشت خود حاکم شوند"

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

اطلاعیه های شماره " ۱ - ۲ - ۳ - ۴ "

ص ۴

پایان اسطوره "روشنفکر" کرد

سیف خدیاری

رویدادهای اخیر کردستان عراق که متأثر از تحولات انقلابی خاورمیانه است، علاوه بر به چالش کشیدن قدرت احزاب حاکم بر سرنوشت مردم به نوعی یک " انقلاب فکری" نیز می باشد.

نگاهی به اعتراضات اخیر در کردستان عراق

ص ۷

وضعیت اشتغال و بیکاری در شهرستان مهاباد

(بخش ۲)

ص ۹

رضا دانش

زنده باد سوسیالیسم





پرچم سیاست های ارتجاعی سبز موسوی و کروی و زیر پرچم سیاست ناسیونالیست ها و قوم پرست ها جمع نمی شوند. به فراخوان هایشان "نه" می گویند، راه مستقل و آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را بر می گزینند و حول سیاست های رادیکال و طبقاتی و سوسیالیستی جمع می شوند. طبقه کارگر و مردم ایران، الگوی انقلابی خواهران و برادران و هم سرنوشتان خود در تونس و مصر و لیبی و یمن و غیره را انتخاب می کنند. جمهوری اسلامی با همه جناح هایش باید بروند. توده های کارگر و زحمتکش باید سرنوشت خود را به دست گیرند. این تنها راه پایان یافتن ستم، استثمار، فقر و گرانی، تورم و گرسنگی و استبداد سیاسی در ایران است.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱۱

نژاد، تحت فشار و ستم و استثمار و تعقیب بوده، کشتار شده، زندان کشیده و اعدام گشته اند. هم اکنون تعدادی از فعالین سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می برند.

کارگران و مردم زحمتکش کردستان هیچ جناح سبز و سیاه جمهوری اسلامی را نمی پذیرند. زیر بار سیاست و اهداف کثیف ارتجاعی و قومی و مذهبی شیعی و سنی گری و سلفی و غیره این رژیم سراپا پوسیده نمی روند. ما پدیده ای به نام "شهادی جنبش سبز"، "شهادی کرد" یا ترک و فارس و شیعه و سنی نداریم. همه انسان های این جامعه شهروندان متساوی الحقوق و برابر و فارغ از مذهب و ملیت و قومیت و زبان و غیره هستند. تقسیم انسان به مذاهب و اقوام و فرقه ها، کاری به شدت ضد انسانی و تفرقه افکنانه است.

به همین دلایل انسانی و انقلابی، کارگران و زحمتکشان و جوانان و روشنفکران آزادیخواه کردستان زیر

همین اعتراف آشکار ناسیونالیسم کرد نشان می دهد که کارگران و مردم زحمتکش کردستان هیچ قرابتی با جنبش سبز ندارند و این جنبش را از آن خود نمی دانند. آشتی با جنبش سبز یعنی قبول جناحی از حاکمیت جمهوری اسلامی و یعنی تبدیل شدن مردم به نیرو و سیاهی لشکر رقابت جناح های مختلف بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی آن.

احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کردستان در کنار جنبش سبز قرار دارند تا بلکه از این نماد کلاهی برای خود بدوزند و به این بسنده نکرده، تمام تلاش شان این است که بخشی از مردم کردستان را پشت اهداف خود و جنبش ارتجاعی سبز شان بکشانند.

کارگران و مردم زحمتکش کردستان همچون کل طبقه کارگر ایران، در تمام طول حیات جمهوری اسلامی و در دوره های مختلف حکمرانی موسوی، کروی، خاتمی، رفسنجانی تا احمدی



ما شما را فرا می خوانیم که،

- از مطالبات انسانی و آزادیخواهانه مردم کردستان عراق حمایت کنید.
- تیراندازی، کشتار و زخمی کردن انسانهای حق خواه و معترض به وضع موجود را محکوم کنید.
- خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان شوید.
- محاکمه و مجازات مسببین کشتار مردم را بخواهید.

احزاب حاکم در کردستان عراق تصمیم به سرکوب و به خانه فرستادن زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و خواهان زندگی بهتر، گرفته اند.

همزمان احزاب و جریانان ناسیونالیست و قوم پرست کردستان ایران، دست به دست همدیگر داده و تحت عنوان، "خشونت نکنید"، آزادی خواهی مردم را تخطئه کرده و به حمایت از احزاب حاکم و برادر خود برخاسته اند. در مقابل این صف نمایندگان طبقات دارا و تا مغز استخوان ارتجاعی، صف کارگران و زحمتکشان و همه انسان های آزادیخواه ضروری و حیاتی است. صفی که به همه حکام و نمایندگان منافع طبقات دارا و مستبدین و سرکوبگران از سلیمانیه و اربیل تا بغداد و بصره و تهران، "نه" می گوید و آن ها را به مبارزه ای سرنوشت ساز می طلبد.

کارگران، مردم،

شما تجارب مبارزات متحدانه، از تجمعات بزرگ و کوچک، اعتصابات کارگری، اعتصاب عمومی و تعطیل بازار و مدارس و ادارات، صدور بیانیه های سیاسی، تهیه تومارهای اعتراضی و حمایتی چندین هزار نفری و غیره را پشت سر دارید. بهر شکل ممکن، جنبش آزادیخواهانه هم سرنوشتانان در کردستان عراق را مورد حمایت قرار دهید.

**زنده باد همیستگی بشریت آزادیخواه،
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست
۹ اسفند ۸۹ (۲۸ فوریه ۲۰۱۱)**

آزادی ، برابری ، حکومت کارگری

ادامه ص ۱

۸ مارس روز اعتراض ...

انسان هایی که قوانین شرعی و اسلامی را زیر پا نهاده، مرزهای مذهب و شریعت را در نور دیده و رابطه آزاد و انسانی زن و مرد را به عمل در آورده اند.

جنبش ضد آپارتاید جنسی به علاوه دارای رهبران و جنبش خود بوده و نهادها و تشکل و شعار و مطالبات معین و عملی و راهکارها و روشهای اجتماعی مبارزه را تجربه کرده است. مراسم ها و تظاهرات و میتینگ های ۸ مارس از پارک لاله و جلو دانشگاه تهران تا میدان آزادی و سالن های اجتماعات سنندج و دیگر شهرهای ایران و کردستان نمونه های این مبارزه و تلاش های اجتماعی برای رهایی زن است.

در مقابل این تحرکات انسانی و اجتماعی، تلاش هایی نیز به عمل آمده و می آید که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان را به زاییده و سپاهی لشکر جنبش های ارتجاعی اصلاح طلبی جناحی از جمهوری اسلامی علیه جناح دیگر و جنبش سبز تبدیل و یا با طرح مطالباتی نازل همچون حق حضانت فرزندان در چارچوب همان قوانین شریعت و ضد زن محدود کند و چشم بر حجاب اجباری و جدا کردن زن و مرد و تعرضات رژیم به زنان و دختران در خیابان ها و مدارس و ادارات از طریق گروه های منکرات و غیره ببوشد. مطالبات نازلی که گویا بایستی با جمع کردن امضا و دست به دامان آیت الله ها، متحقق گردند!

زمانی در شهرهای کردستان، همزمان با فرارسیدن ۸ مارس ها، بین گرایشات مختلف از خانواده ناسیونالیستها از جمله خانه تشکلهای، هلال احمر، انستیتوی "خوره لات"، انجمنهای کردی و خیریه، تشکل های شعرا و ادبای محترم کرد و غیره رقابت بود، تا چه کسی جلو میافتد و آدم بیشتر جمع می کند. نفس این تحرکات یک پیشروی برای جنبش برابری طلبی زنان بود. این جریانها که

همه به سر ۸ مارس قسم می خوردند در واقع در مقابل برابری طلبی زنان سر فرود می آوردند. این خود نشانه حرمت چپ در جامعه، عروج آن و عقب نشینی سنت و فرهنگ عقبمانده است.

ناسیونالیستها و فاشیستهای قوم پرستی که نوای قوم گرایی و فدرالیسم شان گوش مردم را آزار میدهد، همواره تلاش کرده اند تا از جنبش عظیم زنان و برابری طلبی آن برای افکار ضد انسانیشان قیابی بدوزند و آبرویی بخرند

اما هم زمان و در دل این تحرکات به ظاهر دفاع از حقوق زن، هدف خفه کردن صدای حقخواهی و برابری طلبی زنان را تعقیب کرده و مدعی بوده اند که حالا وقت صحبت از رهایی زن نیست، ملیت و قومیت اول است و باید رفت سراغ فدرالیسم و مساله زن را امری حاشیه ای در مقابل ناسیونالیسم و قوم پرستی خود می دانند.

در مقابل این صفتبندی، صف اجتماعی دیگری است که با قومگرایی و فدرالیسم سر آشتی ندارد، با آن مخالف است و صمیمانه بر انسانیت زنان و برابری کامل زن و مرد پای میفشارد. این صف انسانهایی است به وسعت سراسر ایران و صدای انسانهایی است که از تبعیض و نابرابری رنج میبرند و دنبال راه حل اند. انسانهای شریفی که هیچ بدهکاری به کسی ندارند، چیزی ندارند به مردم بفروشد، پشت صدای حق طلبی و برابری طلبیشان هیچ سیاست و بازی ای نهفته نیست. سر راست و صمیمی بر حقوقی پافشاری میکنند که به خوشبختی نیمی از انسانهای جامعه و یا بهتر است بگویم کل جامعه، مربوط است. همه زنان و مردان خواهان حرمت انسانی و مخالف تبعیض جنسی و تحقیر، جایشان در این صف است. حضور در این صف برای همه کسانی که واقعا از تحقیر و آپارتاید جنسی رنج میبرند مایه مباهات و افتخار است

۸ مارس دیگری در راه است. تحولات عظیمی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و به تبع آن در ایران در جریان

است. این شرایط انقلابی و آزادیخواهان برای فعالین برابری زن و مرد در ایران، برای طبقه کارگر و همه آزادیخواهان و در پیشاپیش آنها کارگران و زنان سوسیالیست و کمونیست و انسان های آزادیخواه و برابری طلب، فرصتی بوجود آورده است که باید به استقبال آن رفت.

۸ مارس امسال میتواند به همبستگی و یک کاسه کردن یک تحریک بزرگ اجتماعی کمک کند. ۸ مارس با این هدف میتواند چشم و گوش جهانیان را نیز به پدیده و لکه ننگ آپارتاید جنسی بر دامان بشریت متمدن امروز بار دیگر بگشاید. باید بار دیگر توجه افکار عمومی و بخصوص جنبشهای زنان در سطح بین المللی را به این پدیده زشت جلب کرد. باید به جوامع بین المللی گفت، آپارتاید جنسی در ایران کم اهمیت تر از آپارتاید نژادی که جامعه بشری متمدن علیه اش به پا خاست، نیست. کمتر زشت و ننگ نیست!

جمهوری اسلامی از مبارزه طبقاتی کارگران و اعتراض و مبارزه زنان معترض به آپارتاید جنسی و جوانان در دانشگاه ها و محلات و جدال های اجتماعی به وسعت جامعه راه گریزی ندارد. کارگران سوسیالیست و کمونیست و فعالین جنبشهای اجتماعی زنان و جوانان در دانشگاه ها و محلات شهرها، اگر دستشان را به دست همدیگر بدهند، سد محکمی در برابری تعرض رژیم بسته میشود و توانایی سرکوب و دستگیری و تعقیب و آزار را از او میگیرد.

با پرچم و افق برابری طلبی و آزادیخواهی و مستقل از جنبش های رنگارنگ بورژوازی و با طرد هرگونه تفرقه قومی، ملی و مذهبی، میتوان جمهوری اسلامی سرمایه داران را به زانو در آورد.

زنده باد ۸ مارس

زنده باد جنبش برابری زن و مرد

اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود

آدرس ایمیل تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:

mozafar.mohamadi@gmail.com

سر دبیر:
مظفر محمدی
سایت اکتبر:

www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان

عبدالله دارابی:

darabiabe@yahoo.com

روابط عمومی کمیته کردستان

سالار کرداری

Rawabet.omumi.k@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳

با پوزش از خوانندگان، انتشار این شماره اکتبر یک روز به تاخیر افتاد!

جنبش آزادیخواهی در کردستان عراق!

اطلاعیه شماره ۱

بنا به گزارش خبرگزاری ها ، امروز در شهر سلیمانیه افراد مسلح حزب دمکرات کردستان عراق (پارتی) به روی مردم تظاهر کننده آتش گشوده و ده ها نفر کشته و زخمی شده اند.

طبق اخبار واصله، امروز ۲۸ بهمن ماه به فراخوان احزاب و جریانات سیاسی و گروه های اجتماعی، تجمعی به حمایت از انقلاب مردم مصر و تونس در مرکز شهر سلیمانیه برگزار شد که هزاران نفر در آن شرکت داشته اند. در این اجتماع، نمایندگان احزاب و جریانات مردمی از جمله حزب کمونیست کارگری کردستان عراق در حمایت از انقلابات مصر و تونس و خواسته های کارگران و مردم این کشورها سخنرانی کردند که با استقبال مردم مواجه شد. در ادامه تجمع، تعدادی از جوانان و مردم در خیابان اصلی شهر به تظاهرات پرداختند و بهنگام عبور از جلو مقر اصلی حزب دمکرات کردستان عراق در سلیمانیه، شعار دادند که ، "گرسنگی بس است". افراد مسلح این حزب به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند و تعدادی از انسان های آزادیخواه عراق طلب را به خاک و خون کشیدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمیست این جنایت را محکوم می کند. کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان آزادیخواه کردستان با یک قیام توده ای رژیم صدام حسین را از کردستان ساقط کردند، اما با دخالت و حضور مسلحانه احزاب ناسیونالیست کرد، امکان برقرار حاکمیت کارگری و توده ای از آنان سلب شد. اکنون بیش از دوده است که همین مردم انقلابی و آزادیخواه، تحت شرایط دشوار کار و زندگی و در فقر و فضای ناامن سیاسی تحت حاکمیت میلیشیایی احزاب ناسیونالیست بسر می برند. مردم محرومی که روزمره شاهد تصرف اموال و دارایی ها و ثروت جامعه از جانب اقلیتی که مردم آن ها را فرعون ها می نامند، هستند.

احزاب ناسیونالیست کردستان عراق دست در دست حکومت دست نشانده امریکا و ایران بخشی از قدرت و ثروت جامعه را تصاحب کرده اند. کارگران و مردم زحمتکش که از این شرایط تحقیر کننده و در فقر و فلاکت به جان آمده اند، خواهان خاتمه دادن به این وضعیت هستند. کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی در شهر و شهرک های کردستان عراق خواهان دخالت مستقیم در تعیین

سرنوشت خود اند. خواهان آزادی و رفاه و خوشبختی و یک جامعه مدنی و مدرن و به دور از دخالت مرتجعین و شیوخ و عشایر و احزاب بورژوازی ای هستند که تمایلی به برسمیت شناختن حقوق و آزادی ها و حرمت انسانی و اجتماعی شان نیستند.

انقلابات خاورمیانه و شمال افریقا به همه کارگران و مردم آزادیخواه منطقه این اعتماد و قوت قلب را بخشیده است که دست در دست هم و در حمایت از همدیگر بر سرنوشت خود حاکم شوند.

کمیته کردستان حزب حکمیست ضمن حمایت از حق طلبی و آزادیخواهی مردم کردستان عراق و به همراه کارگران و مردم آزادیخواه کردستان ایران، خواهان برقراری آزادی تشکل و اعتراض و اعتصاب و تظاهرات و آزادی بی قیدو شرط سیاسی برای همه شهروندان است. ما همچنین خواهان معرفی و مجازات کسانی هستیم که مطالبه ، " دیگر گرسنگی بس است" مردم سلیمانیه را با گلوله دادند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمیست

۲۸ بهمن ۸۹ (۱۷ فوریه ۲۰۱۱)

اطلاعیه شماره ۲

مبارزه مردم سلیمانیه و دیگر شهر و شهرک های کردستان عراق برای آزادی و رفاه ادامه دارد.

تظاهرات امروز مردم سلیمانیه مجددا توسط افراد مسلح حزب دمکرات کردستان عراق به گلوله بسته شد. هنوز از تعداد کشته و زخمی ها اطلاع دقیقی در دست نیست

تظاهر کنندگان خواستار خروج نیرو های مسلح بارزانی از شهر سلیمانیه، معذرت

خواهی مسعود بارزانی از مردم و محاکمه و مجازات افراد مسلحی که دیروز جنایت آفریدند.

تجارب جنبش ها و انقلابات خاورمیانه نشان داده است که توسل به زور و کشتار مردم نمی تواند مستبدین و استثمارگران را نجات دهد. کارگران و زحمتکشان کردستان عراق از تبعیض و نابرابری و فقر و گرسنگی و عدم آزادی و تعرض به حرمت انسانی شان به ستوه آمده اند.

خواست های آزادیخواهانه و حق طلبانه

مردم سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق باید برآورده شوند. جنایتکاران باید محاکمه و مجازات گردند. دخالت مستقیم کارگران و زحمتکشان در تعیین سرنوشتشان باید به رسمیت شناخته شود. این حداقل خواسته های است که امروز از زبان زنان و مردان آزادیخواه جاری شده و حول آن متحد شده و به پا خاسته اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمیست

۳۰ بهمن ۸۹ (۲۰ فوریه ۲۰۱۱)

اطلاعیه شماره ۳

اعتراض و مبارزه مردم آزادی خواه شهر سلیمانیه، به دیگر شهرهای کردستان عراق از جمله رانیه، دربندی خان ... و دانشگاه های شهرهای کردستان گسترش یافته است.

میدان مرکزی شهر سلیمانیه امروز هم محل تجمع مردم معترض است. مبارزین شهر این میدان را محل تمرکز تعطیل ناپذیر خود در اعتراض به استبداد و ارتجاع حاکم و تا تحقق خواست هایشان

اعلام کرده اند.

تظاهر کنندگان خواهان خروج میلیشیای احزاب حاکم از شهرهای کردستان، تعطیل مقر حزب دمکرات کردستان عراق (پارتی) در سلیمانیه، محاکمه مسببین کشتار مردم در روز ۱۷ فوریه، لغو حکومت نظامی، خاتمه دادن به تفتیش منازل و تعقیب و دستگیری ها و آزادی اعتصاب و تظاهرات شدند.

تظاهرات امروز مردم در شهرها و دانشگاه ها با حمله نیروهای مسلح، تیراندازی و سرکوب روبرو شد.

مردم معترض خطاب به احزاب حاکم اعلام کردند که طی ۲۰ سال حکمرانی به ما وعده های پوچ دادید و همزمان سرکوب کردید. ما از شما کار و نان خواستیم شما گفتید حاکمیت نوپا است. آزادی خواستیم گفتید این توطئه است، استقلال خواستیم گفتید کشورهای همسایه رضایت نمی دهند و ... ، اکنون پس از دو دهه، ما چیزی از شما نمی خواهیم جز این که کنار بروید تا ما زندگی و سرنوشت خود را تعیین کنیم.



اطلاعیه شماره ۴

در ادامه مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه، امروز ۲ دی ماه، ۲۱ فوریه هم، مردم در میدین و خیابان های سلیمانیه و دیگر شهر و شهرک های کردستان عراق از جمله کلار، خانقین، سید صادق و ... جمع و تظاهرات کردند. در این اجتماعات با شکوه کارگران، جوانان، معلمان، وکلای دادگستری، روزنامه نگاران و روشنفکران شرکت داشتند. استادان و دانشجویان دانشگاه سلیمانیه اعلام کردند که اگر خواستهای مردم سریعاً جواب نگیرند به خیابان خواهند آمد. وکلای دادگستری باتجمع در جلو دادگستری سلیمانیه آمادگی خود را برای وکالت و دفاع از خانواده های کشته شدگان و زخمیان اعتراضات اخیر در دادگاه و اقامه دعوا علیه جنایتکاران اعلام آمادگی کردند.

درحالی که جاده های بین شهری در

کنترل افراد مسلح احزاب حاکم است، جوانان شهر کلار اعلام کردند که آماده اند پیاده به شهر سلیمانیه بروند و به مردم معترض در خیابان بپیوندند.

احزاب ناسیونالیست و رهبران شان زیر فشار اعتراض مردم آزادیخواه، در پارلمان خود تجمع کرده تا راهی برای برون رفت و نجات خود بیابند. اما کشتار و سرکوب از طرفی و تهدیدها و وعده ها و فریبکاری هایشان، تا کنون بی نتیجه مانده است.

مردم بر خواسته های خود مبنی بر برگرداندن اراده و اختیار به خود و برقراری جامعه ای آزاد و برابر و انسانی و متمدن پای می فشارند. خواستار مجازات مسببین کشتارها هستند و می خواهند شهرها از وجود و حضور مقرات نظامی و افراد مسلح احزاب حاکم پاک شوند.

فضای انقلابی منطقه و مبارزات

آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی در کردستان عراق می تواند پیروسی ای رهایی بخش برای کل طبقه کارگر و مردم ستمدیده عراق از استبداد و ارتجاع حاکم بر این کشور و تعیین سرنوشت خود فارغ از دخالت های امریکا و متحدینش و فارغ از تفرقه های ملی و مذهبی و باند سیاهی های وابسته به جمهوری اسلامی در این کشور باشد.

همچنین مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان عراق از حمایت بی دریغ هم سرنوشتان خود در کردستان ایران و طبقه کارگر و همه آزادیخواهان ایران که خود در جدالی سرنوشت ساز با جمهوری اسلامی هستند، برخوردار خواهد بود.

زنده باد آزادی، برابری
زنده باد مردم آزادیخواه
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست

۲ دی ماه ۸۹ (۲۱ فوریه ۲۰۱۱)



برگرداندن اراده و اختیار به کارگران و زحمتکشان خواست مشترک همه انسان های آزادیخواه و برابری طلب و خواست انقلابات جاری منطقه است. این ندای بشریت اوایل قرن بیست و یکم است که گلوی بورژواها و مستبدان خودکامه و حکام خود گمارده و احزاب و جریانات ضد کارگر و زحمتکش و سرمایه داران زالو صفت را می فشارد که خون طبقه کارگر و مردم محروم را در شیشه کرده اند.

به جهان بشریت آزادیخواه و برابری طلب خوش آمدید! این راه بدون برگشتی است که نه دیکتاتورهای مصر و تونس و لیبی و بحرین را از آن گریزی هست و نه احزاب ناسیونالیست و قومی کردستان عراق و نه مرتجعین حاکم در بغداد و تهران. به طبقه کارگر و مردم زحمتکش برای برگرداندن اراده و اختیار به خود؛ به اتحاد و تشکل و همبستگی بین المللی روی می آورند. به پیروزی رساندن جنبش های انقلابی این دوره در گرو اتحاد، تشکل و خودآگاهی طبقه کارگر و ایجاد صفی مستحکم از رهبران کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب درون طبقه و در میان زنان و مردان و جوانان به پاخاسته است

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱ اسفند ۸۹ (۲۰ فوریه ۲۰۱۱)

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!

به گارد آزادی به پیوندید!

مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند
زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.



پایان اسطوره "روشنفکر" کرد

بیست سال پیش ناسیونالیسم کرد به یمن ناتو و با در دست داشتن میراثی ۶۰ ساله از مبارزات ملی گرایانه توانست قدرت را قبضه نموده و با زور اسلحه و دلار و زد و بند با کثیف ترین رژیم های منطقه حاکمیت ملیشایی خود را تثبیت کند. در بیست سال گذشته سرکوب معترضان، قتل مخالفان سیاسی و ترویج فرهنگ ضدانسانی دینی و ناسیونالیستی پلاتفرم اصلی این احزاب بوده است. طی این بیست سال ناسیونالیسم کرد به منظور تقویت پایه های "فرهنگی" خود، خیل عظیمی از "روشنفکران کرد" در هیأت ژورنالیست، شاعر، خواننده، نویسنده و هنرمند را دور خود جمع کرده و با حراج دلارهای باد آورده کردستان عراق به بهشت روشنفکران کرد تبدیل شده تا در خلسه روشنفکری فرو بروند و متاع خود را عرضه نمایند و به فروش برسانند.

زلزله خاورمیانه هم ستون های شنی قدرت احزاب ناسیونالیسم حاکم بر کردستان عراق را به حرکت در آورده است. گشودن آتش بروی معترضان در شهر سلیمانیه در روز هفدهم فوریه، شلیک به توهم دولت کردی نیز بود. برای تمام کسانی که به این دولت خودی توهم داشتند معلوم شد که در اینجا هم مانند هر جای دنیا "دولتی" حاکم است که حافظ منافع خود است و جواب سنگ را با گلوله می دهد.

علاوه بر روشن شدن دست احزاب ناسیونالیستی، تمام پایه های فکری آنها نیز به لرزه در آمد. ناگهان خیل روشنفکران کرد که

"سیاسی" هم نیستند با همصدا شدن با قدرت حاکمه دهان گشودند و هر آنچه در این بیست سال خورده بودند هضم نکرده پس دادند. (نمونه فرهاد پیربال و فحش های چارواداری او وقیح ترین شکل ممکن ابراز وجود آنها بود) در این نوشته به واکنش برخی از "روشنفکران کرد" می پردازم.

بختیار علی، مریوان وریا، ناراس فتاح، ربیین هه ردی و فرهاد پیربال از جمله برجسته ترین روشنفکران هستند که در مورد این رویدادها اظهار نظر کرده و نقش تاریخی خود یعنی خدمت به دولت حاکم را بدرستی ایفا نموده اند. در بیشتر این نوشته ها و اظهار نظرها، ضمن نقد سطحی و موعظه گرانه به سرکوب مردم توسط ملیشایی کرد که از جانب آنها "

پلیس" و "نیروهای امنیتی" خوانده شده اند، پشت جملات فریبنده و غنی به لحاظ ادبی! ماهیت روشنفکرانه خود یعنی دفاع از حاکمیت اما در سنگر مردم را بر عهده گرفته اند. در پایین خطوط عمده سیاست های این خیراندیشان و مصلحان اجتماعی را نشان می دهیم.

خشونت نکنید! در بیشتر اظهار نظرهای این افراد بارها و بارها پرهیز از خشونت و دعوت به "مبارزه"؟ بدون خشونت تکرار شده است و چه از این زیباتر! گاندیهای بدون دوک و عصا بی شرمانه بدون اینکه کمترین اعتراضی به عامل خشونت یعنی دستگاه حاکمه بکنند، مردمی را که توسط ملیشایی کرد به گلوله بسته مورد سرزنش و تهدید قرار می دهند که خشونت نکنید! آنها با "پلیس" و "نیروی امنیتی" خواندن تفنگچی های احزاب حاکم ضمن مشروعیت سیاسی دادن به این نیروها، غیر مستقیم مشروعیتی هم به اقدامات "امنیتی" آنها بخشیده اند؛ در برج عاج روشنفکری خود نشسته اند و به جوانان معترض توصیه می کنند با موسیقی و شعر به استقبال حاکمان بروند. مه ریوان وریا داد کشیدن جوانان معترض را هم جزو خشونت دسته بندی کرده؛ در جایی دیگر با تقسیم بندی انواع قتل و از جمله قاتل بودن به "برخی از قتل ها در چهارچوب شریعت قرار می گیرند" انسان دوستی تقلبی خود را به نمایش می گذارند.

پرهیز از سیاست! وقیحانه تر از چنین ادعایی را فقط باید از این دستگاه روشنفکری کرد انتظار داشت. هراس از سیاسی شدن جامعه در کل ادبیات آنها به چشم می خورد. بختیار علی که گوشش از عربده های پست مدرنیست ها بی که پایان تاریخ را اعلام کردند، سنگین شده است ضمن افتخار کردن به اینکه وی شاعر و نویسنده است و کاری به سیاست ندارد، وقیحانه ادعا می کند که دوران سیاست هم بسر آمده است! سیاست را به سیاستمداران واگذارید و خود به عقلا نیت و اخلاقی کردن سیاست جامعه بپردازید! البته علاوه بر این افاضات شاعرانه کفش های گل آلودشان را بر فرش سیاست گذاشته و هشدار می دهند این اعتراضات سیاسی نیست، به هیچ گروه سیاسی تعلق ندارد. اگر پوسته این فویبای روشنفکران کرد را بشکافیم، هراس آنها از سیاسی شدن جامعه را بهتر می فهمیم. واقعیت این است که عصر دایناسورهای سیاسی منطقه و از جمله دستگاه قدرت اتحادیه میهنی و پارتی بسر آمده است. نشانه هایی از این روند را دو سال گذشته در چرخش

جامعه به سوی احزاب دیگر از جمله "گوران" و ائتلاف اسلامی شاهد بودیم. طی دو سال گذشته هر چند گوران توانست سدی در مقابل تعرض هر چه بیشتر مردم زحمتکش و آزادیخواه به پایه های شنی حکومت اقلیم قرار دهد و روشنفکران کرد از جنس "ره هه ند" را در خود ذوب نماید، نتوانسته تضاد های جامعه را به نفع خود قطبی نماید. تا اینجا روشنفکران کرد نه تنها مشکلی با "سیاست" نداشته اند، خود بخشی از آپارات تبلیغی احزاب حاکم و احزاب در سایه بوده اند. مشکل از جایی شروع می شود که نیرویی رادیکالتر و ماکزیمالیست چپ و در رأس آن کمونیسم کارگری خواب را از چشمان آنها ربوده است. هراس از این نیرو و "سیاست" است که هنر سیاست زدگی روشنفکران را شکوفا کرده است. افرادی هستند که می خواهند سوار بر موج شوند، کسانی که ضد دموکراسی هستند. (نامه سه نفره) "در بیست و چهار ساعت اول افرادی پیدا شده اند که می گویند این انقلاب ماست؛ مردم باید یاد بگیرند بت جدید نسازند؛ جوانان باید از میان خود نماینده انتخاب کنند، هیچ یک از افراد نسل من نباید نماینده آنها شوند." (بختیار علی). با در نظر گرفتن فضای سیاسی شهرهای کردستان در دو هفته اخیر و حضور رهبران کمونیست در میان جوانان معترض، می توان این آشفته گی روشنفکران را درک کرد.

اکسیر دموکراسی: این روشنفکران که نماینده افکار طبقه حاکمه و ترندهای اصلی ژورنالیسم بورژوازی هستند همانند همکاران خود سعی می کنند دموکراسی و آزادی را به تم اصلی اعتراضات مردم تبدیل کنند. چنین ادعای شیکی بر خلاف ماهیت واقعی اعتراضات و تحولات انقلابی اخیر در خاورمیانه است. "انقلاب" تونس که بورژوازی ریاکارانه نام انقلاب یاسمن بر آن نهاد بیش و پیش از هر چیز شورش گرسنگان علیه فقر و نابرابری بود. در کردستان عراق که فاصله طبقاتی و نابرابری بیش از هر یک از کشورهای شمال آفریقا چشمگیر است چیزی نیست که بتوان آن را انکار نمود. جوانان معترض در کردستان عراق بیش از هر چیز این شکاف طبقاتی را نشانه گرفته اند. دمیدن در سرنای دموکراسی چیزی جز خلع سلاح کردن مردم معترض با سپردن کار به سیاستمداران و دولت نیست. در کردستان عراق که رهبران جنبش سرکوب شده شوراهای اکنون در میان مردم حضور دارند

نگاهی به اعتراضات اخیر در کردستان عراق

مستقیم زخمی شدند. یکی از زخمی ها به اسم "سورکیو زاهد" بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. همزمان در شهر رانیه نیز درگیری‌هایی بین پلیس و مردم رویداد و ۹ نفر اکثراً با شلیک مستقیم گلوله زخمی شدند.

در ادامه اعتراضات در میدان آزادی شهر سلیمانیه، شمار زیادی از روشنفکران کردستان و دو نماینده مجلس نیز به تجمع اعتراضی پیوستند. دانشجویان دانشگاه های "سلیمانیه" و "کویه" در بیانیه‌هایی از تجمعات اعتراضی میدان آزادی سلیمانیه و خواستهایشان اعلام حمایت کردند. پزشکان و کادر پزشکی بیمارستانهای سلیمانیه نیز حمایت خود را ابراز کرده و خواسته های اعلام شده در میدان آزادی را خواست خود اعلام کردند. در همین روز در شهر "حلبچه" تظاهراتی صورت گرفت که در آن معترضین با نیروهای پلیس ضد شورش درگیر شدند. چندین نفر مجروح شدند که ۳ نفر از آنان پلیس هستند.

حکومت خودمختار کردستان، ضمن این که حاضر به گفتگو و قبول خواسته‌های معترضین نیست، با استقرار نیرو در دروازه شهرها از حرکت مردم شهرهای مختلف که قصد پیوستن به تجمع اعتراضی سلیمانیه بودند جلوگیری میکند.



مقررات منع عبور و مرور، مردم معترض سلیمانیه حاضر به ترک خیابانها نشدند و خواستار خروج سریع نیروهای مقرر مذکور از سلیمانیه و تحویل عاملین تیراندازی به مقامات قضایی شدند. حکومت اقلیم کردستان در مقابل از رسانه های خود معترضین را آشوبگر خطاب کرده و تیراندازی نظامیان شاخه ۴ حزب دمکرات کردستان را دفاع از خود خواند.

۱۸ فوریه تجمعات مردم ادامه دارد.

۱۹ فوریه- فضای شهر امنیتی شده و نیروهای نظامی حکومت خودمختار کردستان از شهرهای دیگر به سلیمانیه وارد شدند. متعاقباً یکی از ساختمانهای حزب "گوران" (تغییر) در هولیر به آتش کشیده شد.

۲۰ فوریه- مردم خشمگین از درگیریهای روز گذشته با فراخوان احزاب و سازمانها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی، از جمله حزب کمونیست کارگری کردستان بار دیگر خود را برای تجمع در میدان آزادی در روز ۲۰ فوریه آماده کردند. همچنین دامنه اعتراضات به شهرهای رانیه و دربندیخان کشیده شد. در این روز پلیس ضد شورش با گاز اشک‌آور و باتوم به معترضین حمله کرد. در درگیری ماموران با مردم در این روز ۴۸ نفر از جمله ۱۱ نفر از آنها با گلوله

۱۶ فوریه ۲۰۱۱- دعوت کمیته دفاع از حقوق و آزادی های مردم، برای اعلام حمایت از انقلابات اخیر تونس و مصر، مردم شهر سلیمانیه در میدان آزادی این شهرتجمع کردند. حزب کمونیست کارگری کردستان عراق علیرغم اخطارهای اتحادیه میهنی هم در کمیته فوق و هم در رهبری جنبش مردم نقش اساسی ایفا نمودند

۱۷ فوریه- جمعیت حاضر در میدان آزادی سلیمانیه، در بیانیه‌هایی به وضعیت بد رفاهی و معیشتی مردم، نبود امکانات اولیه برق و آب مناسب، بیکاری وسیع همچنین فساد بی حدوحصر دستگاه‌های دولتی اقلیم کردستان اعتراض کردند.

در ادامه تجمع، تعدادی از جوانان معترض به سمت مقر شاخه ۴ حزب دمکرات کردستان در ۵۰۰ متری میدان آزادی - محل تجمع - رفتند و علیه حزب دمکرات کردستان عراق شعار دادند. نگهبانان مقر در مقابل، به روی معترضین آتش گشودند. در این تیراندازیها نوجوان ۱۵ ساله ای به نام "ریژوان علی" کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. نوجوان دیگری به نام "زمانکو رزگار" از ناحیه سر مضروب شد، که تا این زمان در کما به سر می برد.

بدنبال این رویداد، علیرغم اجرای



و نفوذ قابل توجهی در میان جوانان و زنان ستمدیده دارند، گرفتن پز دموکراسی از جانب ضدانقلاب اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

البته داستان روشنفکران کرد و نقش آنها در خدمت به طبقه حاکم در اظهارات افراد نامبرده خلاصه نمی شود. شیرکو بیکه س که مطرح ترین شاعر جناح چپ ناسیونالیسم کرد است در چند سال گذشته هر وقت قلب نازکش شاعر شده، سرکوب و اعدام مخالفان سیاسی توسط جمهوری اسلامی و رژیم سوریه و ترکیه را به شعر و حماسه سروده است. اما در چند سال گذشته نه کشتار کارگران سیمان تاسلوجه توسط نیروهای اتحاد میهنی اشکش را جاری کرده و نه قتل چند نفر از کمونیستهای کارگری وجدانش را بیدار نموده است. باید از شیرکو پرسید آیا قلب ریژوان ۱۶ ساله به اندازه ای خون نداشت که جوهر خونویس تو را جان

را بفروشد. نمونه های ذکر شده تنها بخش کوچکی از نقش روشنفکران کرد در حاکمیت زر و زور را نشان می دهد. بیچ هر تلویزیونی را باز کنید و هر کتاب و روزنامه ای را ورق بزنید، هزاران نمونه از بوقلمون های کردی را از استانبول تا تهران مشاهده می کنید که همه مشغول شکل دادن به افکار عمومی هستند.

با کنار هم قرار دادن این تصاویر می توان ادعا نمود که اسطوره روشنفکری کرد به پایان رسیده است. روشنفکری کرد محصول دوران اختناق و پیشانفورماتیک بود که در آن فرم و نه محتوای ایده های افراد تعیین کننده بود. امروزه و در عصر انفورماتیک به یمن دسترسی به منابع اطلاعاتی اسطوره شاعران و هنرمندان پایان می یابد و هر کسی می تواند با صرف اندک زمانی از وقت خود ماهیت واقعی مدعیان فرهنگ، اخلاق و سیاست را بشناسد. این وضعیت می تواند و باید فضا را به نفع کمونیسم تغییر دهد.

بخشد؟ جواب البته روشن است؛ وزن منافع زمینی شیرکو بسیار بیشتر از خون ریژوان، سورکیو و شیرزاد است که در یک هفته گذشته برخیاپانهای سلیمانیه ریخته شد.

این وضعیت تنها به کردستان عراق خلاصه نمی شود که با توجه به سابقه چند دهه روشنفکری کردی سرو گوشی بالاتر از سایر کشورهای کرد نشین دارد. سال گذشته اظهارات و قیحانه عرفان قانعی فرد و به لجن کشیدن دفاع مردم کردستان ایران در برابر یورش ددمنشانه جمهوری اسلامی و تروریسم نامیدن مقاومت مردم کردستان نمونه دیگری از قلم فروشی روشنفکران کرد را نشان داد. روز ششم فوریه امسال شوان پرور "حماسه خوان کرد" در دیداری با معاون نخست وزیر ترکیه، با خائن نامیدن (پ. ک. ک) و (ب. د. پ) مسیر بازگشت خود به ترکیه و صاحب سهم شدن در تلویزیون TRT 6 را برای خودش هموار کرد تا هنرش



- ۲۱ فوریه تجمعات مردم در میدان آزادی سلیمانیه ادامه دارد.

- ۲۳ فوریه - "زمناکو رزگار" که در همان روز اول اعتراضات مجروح شده و به کما رفته بود، جان خود را از دست می دهد.

- ۲۴ فوریه تجمع و اعتراضات توده در سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق ادامه دارد.

- ۲۵ فوریه - دامنه اعتراضات به شهرهای کلار، دربندیخان، هلبجه، چمچمال، سید صادق، رانیه، قلادزه و عربت کشیده شده و منجر به دستگیری تعداد کثیری از تظاهرات کنندگان در این شهرها می گردد.

در اربیل نیز حزب دمکرات کردستان عراق طرفداران خود را به خیابانهای این شهر آورده و شعارهایی علیه تظاهر کنندگان شهر سلیمانیه سر دادند بعد از ظهر این روز و پس از پایان تظاهرات شهر سلیمانیه، چهار نفر از کادرهای

حزب کمونیست کارگری کردستان و از رهبران و سازماندهندگان اعتراضات به اسامی نوزاد بابان، خالد مجید، موید احمد و شاخه وان ناسخ در محله " توی مه لیک" ربوده می شوند.

- ۲۶ فوریه - در فاصله دو روز ۴ نفر از فعالین اجتماعی در شهر اربیل ربوده می شوند و از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست. در تظاهرات امروز سلیمانیه نیز شخصی که به تظاهر کنندگان تیراندازی کرده توسط مردم دستگیر و تحویل پلیس اتحادیه میهنی داده شد. تظاهرات در میدان آزادی سلیمانیه، قلادزه، کلار و رانیه و چمچمال ادامه داشت.

دکتر پشتیوان عبدالله در شهر اربیل ربوده شده و تا کنون از او خبری در دست نیست.

در ضمن شنبه شب سه نفر از ربوده شدگان سلیمانیه آزاد می شوند اما هنوز از سرنوشت نفر چهارم، نوزاد بابان اطلاعی در دست نیست.

- ۲۷ فوریه - تظاهرات میدان آزادی علیرغم انفجار یک بمب صوتی در میان

مردم، کماکان ادامه دارد. در دانشگاه سلیمانیه تظاهراتی علیه تیراندازی و سرکوب معترضین شکل گرفت.

- ۲۸ فوریه - تجمع معترضین در میدان آزادی سلیمانیه باحضور بیش از پیش از مردم کماکان ادامه دارد و هیاتی از طرف پارلمان حکومت اقلیم کردستان، برای مذاکره با مردم فرستاده می شود. دانشجویان دانشگاه سلیمانیه در این روز نیز تظاهرات خود را ادامه داده و خبرنگارانیکه از ورودشان به دانشگاه جلوگیری می شد، توسط دانشجویان به درون دانشگاه راه یافتند. در ضمن چادرهایی که توسط دانشجویان در دانشگاه برپا شده بودند، شب قبل توسط پلیس برچیده می شوند.

در این مدت همزمان با اعتراضات در کردستان عراق، تظاهرات وسیعی در شهرهای اروپایی از جمله لندن، سوئد و ... از سوی احزاب و گروه های سیاسی و اجتماعی در دفاع از اعتراضات مردم کردستان و اعتراض به حکومت خودمختار کردستان شکل گرفت.

مطالبات معترضین میدان آزادی شهر سلیمانیه

در جهت آرام شدن اوضاع سیاسی کنونی کردستان، لازم است سریعاً به خواستههای ما معترضان جواب داده شود:



"نوزاد بابان" در میدان آزادی سلیمانیه

"روز ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ این مطالبات توسط نوزاد بابان در میدان آزادی شهر سلیمانیه اعلام گردید"

- ۱- تعطیل کردن سریع تمام پایگاههای نظامی احزاب و جمع کردن تمام پاسگاههای ایست و بازرسی در محله ها
- ۲- منحل و ممنوع کردن تمام نیروهای ملیشوی احزاب و سازمانها و
- ۳- تخصیص و افزایش حداقل دستمزد کارگران به یک میلیون دینار
- ۴- ایجاد شغل و فرصتهای شغلی و یا بیمه بیکاری

۵- بیمه درمانی رایگان

۶- لغو قانون منع تظاهرات

۷- لغو قانون چندهمسری

۸- رفع معضل برق وامکان بر خورداری از برق ۲۴ ساعته و همچنین

سوخت به صورت رایگان

۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی اعتراضات و تجمعات و اعتصاب

۱۰- گرفتن امکانات و سرمایه های مالی و مادی تمام احزاب و افراد

حکومتی که از راه استفاده از قدرت و فساد حکومتی بدست آورده اند

سوسیالیسم، جنبش باز گرداندن اراده و اختیار به انسان است

وضعیت اشتغال و بیکاری در شهرستان مهاباد (بخش ۲)

رضا دانش

نمونه هایی از مبارزات و اعتراضات
صنفي کارگران مهاباد در سالهای
گذشته :

**فقط ۴ واحد شهرستان مهاباد شوراي
اسلامي کار دارند:**

دبير اجرائي خانه کارگر مهاباد: از ۲
هزار و ۷۴۲ واحد بزرگ و کوچک در
حال فعاليت شهرستان مهاباد، فقط ۴
واحد، شوراي اسلامي کار دارد.

سعید مصطفي نژاد، در گفت و گو با
خبرنگار گروه کارگري ایلنا، افزود:
چهار واحد کشت و صنعت، شهد، مجتمع
دامداري و صنعتي و شهرداري در
مهاباد شوراي اسلامي کار دارند و
واحدهاي صنايع ممتاز و سردخانه زمزم
نيز از نماینده کارگري برخوردارند.

وي گفت: واحد کيوان مرغ که کارفرماي
آن رضا سواره سال گذشته به عنوان يکي
از کارآفرينان نمونه کشور از سوي
وزارت کار معرفي شد و لوح تقدیر از
دست وزير کار و امور اجتماعي دریافت
کرد، بيش از ۸۰۰ کارگر دارد، اما
شوراي اسلامي کار ندارد و در رابطه با
تشکیل شورا با کارفرماي اين واحد از
سوي خانه کارگر مهاباد مکاتبه شده ولي
تا اين لحظه هيچ پاسخي به ما نداده اند.
مصطفي نژاد ادامه داد: بيش از ۲۸ واحد
بزرگ در شهرستان مهاباد فعاليت
ميکنند که بالاي ۱۰۰ کارگر دارند و
کارفرمایان آنها از تشکیل شوراي
کارگري جلوگيري ميکنند و اداره کار
نيز هيچ برخورد قانوني با اين واحدهاي
متخلف به عمل نميآورد.

دبير اجرائي خانه کارگر مهاباد افزود:
شوراي اسلامي کار واحدها، مدافع حق و
حقوق قانوني کارگران است و بدین دليل
برخي کارفرمایان از فعاليت آنها بیم
دارند که در اين رابطه بايد ادارات کار
طبق قانون کار با متخلفين برخورد کنند.

خرداد ۸۶

**تجمع کارگران مجتمع هما مرغ در مقابل
فرمانداری مهاباد**

۵۷ تن از کارگران مجتمع هما مرغ
وابسته به کشت و صنعت مهاباد، صبح
روز جمعه در اعتراض به اخراج خود،
در مقابل فرمانداری این شهر تجمع
کردند. تجمع کنندگان خواهان بازگشت
به کار و افزایش دستمزدها با توجه به

رشد روزافزون تورم شده اند.
این تجمع آرام که از ساعت ۹ صبح
شروع شد، بدون گرفتن پاسخ مناسبی از
طرف مسئولان و جعفر ذوالفقاری
فرماندار مهاباد در ساعت ۱ بعدازظهر به
پایان رسید.

شایان ذکر است که این تعداد از کارگران
شرکت هما مرغ مهاباد، در پی
درخواست افزایش حقوق و مزایا،
از سوی مدیرعامل شرکت اخراج شده اند.

۲۸/۴/۸۷

**کارگران صنايع ممتاز مهاباد تعاوني
مسکن ندارند :**

نماینده کارگران صنايع ممتاز مهاباد با
اشاره به اینکه ۶۰ کارگر در این شرکت
فعاليت ميکنند، گفت: تنها ۲۰ کارگر این
شرکت مسکن دارند و بقیه از داشتن
مسکن محرومند.

رضا حسين پور، در گفت و گو با
خبرنگار گروه کارگري ایلنا، افزود: در
صنايع ممتاز مهاباد هنوز تعاوني مسکن
تشکیل نشده و کارگران نيز با حقوق
حداقلي توان خرید خانه ندارند.
وي گفت: براي تشکیل تعاوني مسکن
کارگران، کارفرماي واحد و اداره کار
مي بايست با سرمایه گذاري موجب
کمک رسانی شوند.

نماینده کارگران افزود: کارگران این
واحد براي دریافت حق و حقوقشان هيچ
مشکلي با کارفرما ندارند و به موقع
حقوقشان را دریافت ميکنند.

**اعتصاب کارگران فروغ شبمي بعلت عدم
پرداخت حقوق و دستمزدها**

اعتصاب بيش از ۱۰۰ نفر از کارگران و
رانندگان راه آهن مهاباد شرکت ارزه
گستر پیمانکار پروژه ساخت راه آهن
(قطعه ۴ مراغه - مهاباد - اروميه)
در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۴ ماه
از رفتن به سرکار خودداری کردند. ۲۸
مهر ماه ۸۸ این اعتراضات تا ۴ آبان
ماه ادامه داشت

شهرداری مهاباد و رئيس شورای اسلامي
حامد حیدري ناحیه ۱ کارگران دارای
۱۰ سال سابقه کار را مجبور کرده است
قرارد ۱ ماهه بصورت روز مزد امضا
کنند اما کارگران ناحیه ۳ شهرداری از
امضا قرارداد سر باز زدند (منبع کمیته
هماهنگی ۲۹ مهر ۸۸)

اعتصاب در کارخانه شیلر مهاباد به علت
تعویق ۸ ماه حقوق ماهیانه از ۲۸ مهر تا
۵ آبان ۸۸ اعتصاب کردند کارگران این
کارخانه در ۸ ماه گذشته بارها اعتصاب
کردند.

**اخراج ۵ نفر از کارگران شرکت
کشت و صنعت**

مهاباد بدنبال اعتراض به اخذ فرم
ضمانت از سوی کارفرمای شرکت
روز دوشنبه ۲۸/۱۰/۸۸ کارفرمای
شرکت کشت و صنعت مهاباد با ابلاغ
فرمی به کلیه کارگران و پرسنل این
شرکت از آنان میخواهد که هر کدام یک
ضامن به شرکت معرفی کنند.

(متن ضمانتنامه: با علم و اطلاع و
آگاهی از سابقه خود و خانواده آقای
به شماره شناسنامه ضمانت
اخلاقي؛ رفتاری و مالی ایشان را نموده
و نظر به شناخت قبلی؛ حاضر به
ضمانت کلی نامبرده در صورت وارد
نمودن هر گونه خسارت احتمالی ناشی از
کم کاری و سهل انگاری و ترک کار
و..... طبق تشخیص شرکت میباشم
و در این رابطه ففره سفته به ارزش
۵ میلیون تومان به عنوان ضمانت در
زمان ایام کارکرد نامبرده که به صورت
روزمزد؛ قراردادی؛ رسمی را امضا و
تعهد مینمایم.)
رور بعد یعنی ۲۹/۱۰/۸۸ بیست و نه
نفر از کارگران با امضای طوماری
نسبت به این خواست غیر قانونی و ضد
کارگری از سوی کارفرمای شرکت؛
اعتراض خود را اعلام داشتند.

محلات کارگری :

محلات میدان استقلال از چهارراه مولوی
به طرف میدان استقلال نظیر اسبابه
سپی، کانی مام قنبران، کانی صوفی رشید
و... - باغ شایگان- پشت تپ (طرف
مدرسه و طرف شیلان) در جنوب شهر،
که مهمترین محل بروز اعتراضات
اجتماعی و شروع تظاهرات ها و درگیریها
در ۳۰ سال گذشته بوده است.

در سال ۸۶ رژیم برای کنترل
اعتراضات مردم در این منطقه اقدام به
ایجاد پاسگاه نیروی انتظامی
(کلانتری ۱۰۳) کرد اما منطقه همچنان
محل اعتراض و درگیری است و ماموران
امنیتی بندرت جرات ورود به کوچه، پس
کوچه های محله باغ شایگان پیدا میکنند
و در صورتی که بخوانند وارد این محله
شوند این کار را با بسیج وسیع
نیروهایشان انجام میدهند. شوانه قادری
،جلال امینی و کسان دیگری که در
سالهای گذشته به صورت وحشیانه کشته
شده اند اغلب ساکن محله باغ شایگان
بوده اند. همچنین محلات منافع آباد -
زمینهای شهرداری - صارم بگ در
شمال شرق شهر از محلات مهم کارگری
شهر هستند. این مناطق از مکانهای اصلی
فعالیت احزاب و گروههای سیاسی
ناسیونالیست و چپ هستند.